خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۳۱ تیر ۱۳۹۶
۲۷ شوال ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۶۱۸

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام حسین (ع)

اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، حداقل در دنیای خود آزاد مرد باشید.
بحارالانوار (ط-بیروت) ج۴۵، ص ۵۱

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
بر سر از خجالت گرد داریم و رخ از شرم گناه زرد داریم.
الهی!
اگر دوستی نکردیم، دشمنی هم نکردیم. اگر چه بر گناه مصریم بر یگانگی حضرت تو مقریم.

الهی!
در سر خمار تو داریم و در دل اسرار تو داریم و به زبان استغفار تو داریم.
الهی!
اگر گوییم ثنای تو گوییم و اگر جوییم رضای تو جوییم.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

تصویری از حضور استاد شفیعی کدکنی در مراسم ترحیم پروفسور «مریم میرزاخانی» و خوش و بش او با صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی

جمعی از هنرمندان و بازیگران سینما و تلویزیون در حرم امام رضا (ع)

عکسی قدیمی از سعید سهیلی کارگردان «گشت ارشاد». او به مدت ۹ سال مسئول حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی مشهد بوده است.

برداشت هندوانه دیم ۲۱ کیلویی در روستای اکبرآباد رشتخوار

خراسان به روایت خراسان

۳۱ تیرماه ۱۳۵۳

جان که بادمجان نیست!

۴۳ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: نامه وارده- مطبوعات ناشر افکار و عقاید مردم هستند، پس خواستم بدین وسیله چند سطری نیز به نوبه خود از وضعیت بیمارستان شهرستان شیروان در آن جریده شریفه درج فرمایید تا اقلا اولیاء امور مستحضر شوند.
در ساعات مقرر نه از نظر پزشک و نه از نظر پانسمان و نه مدیریت، اقدامات صحیح و لازم انجام نمی گیرد.
برای اثبات عرایضم، واقعه‌ای را خدمت شما عرض می کنم. در روز ۵۳/۴/۲۴ و در ساعت ۸ شب، یک نفر کارگر به نام برات محمد ساکن قلعچه که انگشتان وی لای درو کن مانده و زخم شده بود را به امید معالجه به این بیمارستان آوردیم ولی متاسفانه امید ما به نومیدی و یاس تبدیل شد و جواب قانع کننده‌ای هم به ما ندادند. حتی گفتیم هر قدر پول لازم است در اختیار شما می گذاریم اما اظهار داشتند: قابل پذیرش نیست و تا اجازه نگیریم نمی‌شود.
تقاضا نمودم که یک آمپول مسکن تزریق نمایید تا لااقل وی را به جای دیگر برسانیم، گفتند آن هم میسر نیست و مسئولین همان طور مشغول مطالعه مجله بودند.
شبانه بالاجبار مریض را به هزار خون جگر به بجنورد رسانده و فورا در بیمارستان این شهر تحت مداوا و معالجه قرار گرفت. به راستی در این وضع بیمارستان شیروان اگر چنانچه مریضی در حال مرگ باشد تکلیف چیست؟
لطفا این مسئله را که به جان مردم بستگی دارد بنویسید تا همه آن هایی که در وظیفه قانونی و انسانی خود تعلل می‌ورزند و موجبات نگرانی و دلسردی فراهم می آورند به خود آیند و مسئولین نیز آنان را مؤاخذه کنند... آخر مگر جان بادمجان است؟

اجل معلق و تیر چراغ برق

مرد در خانه‌اش خوابیده بود که بر اثر صدای وحشتناکی از خواب پرید و هنگامی که سر از بستر برداشت، تیر چراغ برق خیابان را روی دیوار منزلش واژگون یافت.
در همان حال بر اثر اتصال سیم‌ها و پارگی آنان در چند نقطه برق خاموش شد و وضع خطرناکی را به وجود آورد.
محمدعلی صاحبخانه به دنبال این جریان از خانه بیرون آمد تا علت این حادثه را دریابد. در بیرون منزل متوجه شد که کامیونی با تیر برق برخورد نموده و آن را به طرف منزل نامبرده واژگون کرده است. کامیون در حال حرکت بود.
وی برای دست یافتن به راننده مقصر شروع به دویدن به دنبال کامیون نمود اما قدری دیر شده بود، چون راننده به سرعت از محل دور شده و گریخته بود. صاحبخانه بر اثر دویدن زیاد دچار خستگی و شوک شده بود، هنوز به منزل نرسیده؛ بر زمین افتاد و از هوش رفت.
بستگان و اعضای خانواده وی چند دقیقه بعد پیکر خاک آلود او را نقش بر زمین یافتند. وی چون حالش وخیم بود بلافاصله به بیمارستان سوانح منتقل گردید و تحت درمان قرار گرفت.
محمدعلی ساعت‌ها در اغما و بی هوشی به سر برد و سرانجام در اثر این حمله قلبی و ترس ناگهانی که به او دست داده بود، روی تخت بیمارستان درگذشت.
جریان از طریق کلانتری در دست پیگیری است و راننده متواری نیز تحت تعقیب می‌باشد.

بازار روز

اقتصادی

کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه‌فرنگی	۱۹۰۰	کیلوگرم
سیب‌زمینی	۱۸۰۰	کیلوگرم
پیاززرد	۴۵۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۶۰۰۰	کیلوگرم
لوبیاقرمز	۷۸۰۰	کیلوگرم
برنج پاکستانی درجه یک	۷۳۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی ذرت	۲۵۵۰۰	حلب ۴/۵ بدون پالم
روغن مایع	۵۲۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
مرغ گرم	۷۶۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۹۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۹۵۰۰	کیلوگرم

نمای قدیمی

تصویری قدیمی از مدرسه پریزاد مشهد که اکنون در حرم مطهر امام رضا(ع) قرار گرفته است. (این مدرسه که به پریزاد خانم، ندیمه گوهرشاد منسوب است در سال ۸۲۳ هجری قمری در نزدیکی مسجد گوهرشاد ساخته شده است.)

حرف توی حرف

صالحی

گفت‌وگو با شاعر طنزپرداز درباره جهان ادبی اش

طنز محملی برای درمان مشکلات اجتماعی است

«تا که گفتم سخن از پتک، به سندان برخورد!/ تا که گفتم ز قد سرو، به سروان برخورد!
تا که گفتم سخن از گاو، برهمن شد شاخ!/ صحبت از هند شد و فیل، به فنجان برخورد...»
کلمات ابزار کار او هستند. آن‌ها را در کنار هم می چیند و در اصطلاح، قافیه‌ها را ردیف می کند تا بشوند شعری طنز با درون‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی. در واقع همین کلمات برای او بهانه‌اند تا آنچه را در سلول‌های خاکستری مغزش می جوشد و به سرانگشتانش سرایت می کند بیان کند. چه ابزاری بهتر از قلم و چه بهانه‌ای بهتر از کلمه؟
البته که اشعارش گاه و بیگاه، کام برخی را تلخ کرده و متقابلا خیلی‌ها را هم از بابت کنایه‌های آشکار و نهانش، سر ذوق آورده است. «مجید رحمانی صانع»، از اولین سال حیات مجله طنز «گل آقا»، در زمره نویسندگان جوان و باانگیزه آن مطبوعه سرشناس بوده و تا امروز نیز از تریبون‌های فراوان دیگری، دغدغه‌هایش را به مخاطبان منتقل کرده است. این شاعر طناز، باور دارد که هر بیت از آثارش باید حرفی برای گفتن به مخاطب داشته باشد و اساسا طنز را درمان دردهای زیادی در جامعه به ویژه مشکلات اجتماعی می داند. با این طنزنویس موفق، از علایقش و همچنین خط قرمزهایی گفتیم که او هر روز در حاشیه‌شان قدم می زند:

داستان تولد یک نویسنده

در همان ابتدای گفت و گویمان، با تاکیدی موکد می گوید که یک «بچه‌مشد» اصیل است و علاقه ویژه‌ای به شهرش دارد.
پیوندش با «خواندن» از مجله «کیهان بچه‌ها» آغاز می‌شود. خودش تعریف می کند: از دوران کودکی تقریبا عمده پول توجیبی‌هایم را صرف خرید نشریه و مجله می کردم؛ عادتی که از همان روزها تا همین حالا با وی باقی مانده و کتاب بخش جداناپذیری از زندگی اوست. حتی تاکید دارد که بزرگ‌ترین کتابخانه تخصصی طنز کشور را در منزلش گردآورده است. رحمانی صانع، از نحوه آشنایی‌اش با دنیای شعر و ادب نیز چنین می گوید: از دومین شماره مجله «کیهان بچه‌ها»، چارچوب آن، از قالب داستان کُمیک (روایت مصور) به شکل امروزی آن تغییر یافت و محتوای آن شامل شعر، داستان‌های کوتاه و... شد. نویسندگان و شاعران شهیری نظیر مصطفی رحمان دوست، جعفر ابراهیمی و افسانه شعبان نژاد و... این محتوا را تدارک می‌دیدند. رحمانی صانع اگرچه در مسیر دشوار حرفه‌ای اش، مستقیما محضر استادان و یا دوره خاصی را تجربه نکرده، اما در مطالعات و برداشت‌هایش، از احساس و قلم شان آموخته است. او بیش از همه از آثار ابوالفضل زرویی نصرآباد، یکی از مشهورترین طنزنگاران کشورمان تاثیر پذیرفته است.
این نویسنده و شاعر طنزپرداز به نخستین کار غیرحرفه‌ای خود در دوره راهنمایی که در نشریه «کیهان بچه‌ها» به چاپ می‌رسد، اشاره می کند و می گوید: اولین اثرم، داستانکی برگرفته از یکی از خاطرات ایام کودکی ام بود. ماجرای پسر بچه‌ای که سوار بر دوچرخه است و غرق در خواندن داستان کوتاه «قصه‌های من و بابام» نشریه کیهان بچه‌ها. در مسیر ناگهان با یک تریلی مواجه می‌شود که هر آن، امکان برخورد با آن را دارد اما بعد می‌فهمد که غرق در قصه بوده و برای اندک زمانی به دل آن پرتاب شده است. وی از اواخر دوره راهنمایی به شعر و شاعری گرایش پیدا می کند و هر آنچه از محتوای کتاب‌های درسی به دستش می‌رسیده که ظرفیت استفاده برای موضوعی طنزآمیز را داشته، بی درنگ با ابیاتی کوتاه به محتوایی طنز تبدیل می کرده است. کاری که بسیار مورد اقبال خانواده، دوستان و حتی معلمان مدرسه واقع می‌شود.
رحمانی صانع از اولین سال انتشار ماهنامه «گل آقا» در سال ۱۳۶۹ به عنوان نویسنده‌ای جوان با آن همکاری می کند و همزمان برای صفحه جُنگ اجتماعی روزنامه خراسان مطلب می‌نویسد. او برای تحصیل، رشته شیمی را انتخاب می کند اما از علاقه‌اش به طنز دور نمی‌شود و هر پنج شنبه در محفل شعر دانشگاه، آثار طنزش را قرائت می کند. از سال ۸۴ با ماهنامه «بچه مشد» مجددا دست به قلم می‌شود و برای این نشریه شعر طنز می‌سراید. بعدها، به عنوان دبیر بخش شعر این مجله و عضو هیئت تحریریه نشریه «ستون آزاد» به صورت حرفه‌ای فعالیت می کند.
او در حدود ۲۷ سال فعالیت حرفه‌ای اش، در جشنواره‌ها و رقابت‌های بزرگ ادبی زیادی حضور داشته و صاحب عناوین برگزیده فراوانی است که دستیابی به پنج دوره عنوان نخست جشنواره طنز مکتوب (سوره) کشور در رشته‌های شعر، نمایشنامه و فیلم‌نامه‌نویسی از جمله آن هستند. وی از نیمه دوم برنامه طنز «قند پهلو» در سال ۱۳۹۲، به جمع گروه سازنده آن اضافه می‌شود و تاکنون در پنج فصل آن به عنوان نویسنده متن‌ها همکاری داشته است. از سه سال پیش تا به امروز هم در برنامه ترکیبی «شب شرقی» صدا و سیمای خراسان رضوی، مجری یک آیتم طنز است.

طنز؛ محملی برای جراحی بیماری‌های اجتماعی

وی به وجود خط قرمزهایی که گاهی پُررنگ می شوند، اذعان می کند و می گوید: طنزپرداز کسی است که با ابزار خنده، سعی در اصلاح کاستی‌ها و زشتی‌ها دارد. رحمانی درباره رویکردها و جایگاه «طنز فاخر» در کشورمان در مقابل آثار ضعیف و خالی از معنی برخی سایت‌ها و شبکه‌های مجازی می گوید: هر کسی اثر با کیفیت ارائه کند، به مرحله چاپ و انتشار نزدیک‌تر می‌شود، در صورتی که کارهای ضعیف افراد ناشناس تنها در فضای مجازی مجال جولان و خودنمایی می‌یابند.
او در ادامه جهان شاعرانگی خودش را چنین توصیف می کند: تلاش کرده‌ام تا بیت بیت اشعارم حرفی برای گفتن داشته و نقدی منصفانه بر مسائل و جریان‌های روز کشورم باشند. نمی خواهم کارهایم تنها به آثاری فکاهه تبدیل شود که صرفا به درد خنداندن مخاطب می خورد. او همچنین از نگارش کتابی با عنوان «دست انداز» به عنوان جدی‌ترین فعالیت در دست اقدامش یاد می کند و می گوید: امیدوارم این اثر در آینده مورد توجه مخاطبان قرار گیرد.

واردات چینی

قلم، سیگار، پوشک، مغز گردو، موبر چینی
ملاقه، پانچ، سیفون، ملحفه، انگشتر چینی
مگس کش، آفتابه، دسته بیل و دیزی سنگی
عدس، دندان مصنوعی، عسل، قفل در چینی
به هر جایی روی تنها، ببینی "مید این چاینا"
به روی قبر حتی هست سنگ مرمر چینی
انار و زعفران و پسته صادر می‌شود، اما
به جایش می‌شود وارد، درخت عرعر چینی
نمی دادند لیلی را به مجنون، گفت این گونه:
جهنم! می‌روم جایش، بگیرم دلبر چینی
«چوعاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود
چه دانستم که این دریا چه دارد» گوهر چینی؟
کنار آب رکناباد و گلگشت مصلی هم
نشسته حضرت حافظ، به دستش ساغر چینی
خلیج فارس بوده است و همیشه فارس می‌ماند
اگر پنهان وزیر آبی نیاری از در چینی
عزیزم کار هر بُز نیست خرمن کوفتن، خواهد
کهن مردی به همراهِ دو تا گاو نر چینی
بگو دیگر به آن آقا، بخوان جانم تو از حالا
که می‌آید از آن بالا، پس از این کفتر چینی
میان جمع و تکل از پشت؟ خیلی بی حیا هستی!
بترس از سوت چینی در دهان داور چینی
الا ترشید گان مژده! سر آمد انتظار آخر
که وارد می‌شود فردا بر اتان شوهر چینی
فقط قدری ملایم تر، اگر او را زدید آخر
شود صد تکه چون شیشه، به ناگه همسر چینی
عزب‌های معذب مژده‌ای هم بر شما دارم
شده ترخیص از گمرک، هزاران دختر چینی
بنفشه، زهره و مریم، سهیلا، شادی و شبنم
سمیرا، سوسن و اعظم، زری و زیور چینی
سوالی مانده در ذهنم که ماندم در جواب آن
نیاورده چرا از چین، کسی کره خر چینی؟

مجید رحمانی صانع

یادداشت

محمدحسین ایمانی خوشخو

رئیس انجمن علمی گردشگری ایران

نبود نگاه تخصصی و ضعف‌های جدی در حوزه گردشگری مذهبی

امروزه گردشگری، بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین صنعت دنیا به شمار می‌آید و توسعه آن به ویژه در کشورهایی که به دنبال دستیابی به رشد پایدار هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در ایجاد فرصت‌های شغلی و عدالت اجتماعی در تقسیم درآمدهای شهری، نقش فراوانی دارد.
شهر مشهد مقدس هم به عنوان یکی از کلان شهرهای مذهبی در خاورمیانه شناخته شده و به دلیل جاذبه‌های مذهبی، تاریخی و فرهنگی سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر و گردشگر مذهبی است. ظرفیت زیادی در مشهد به لحاظ بسترهای گردشگری فراهم است که می‌تواند به ایجاد اشتغال و کسب درآمدهای ارزی و ریالی بینجامد اما بهره‌وری ناشی از اقتصاد این بخش، برای شهر و توسعه آن اندک است. این در حالی است که کشورهای بسیاری از صنعت گردشگری دستاوردهای اقتصادی فراوانی کسب می کنند.
یکی از مقولاتی که بستر بهره‌مندی حداکثری را فراهم می کند، ارتقای زیرساخت‌هایی است که انگیزه ماندگاری زائر و گردشگر را افزون می‌سازد.
متاسفانه در شرایط فعلی گردشگری مذهبی در کشور به صورت یک حرکت خودجوش و بدون مدیریت در جریان است که با چارچوب‌های مدیریت گردشگری تطابق چندانی ندارد. به همین دلیل، تاکنون نتوانسته ایم از دستاوردهای این صنعت به طور صحیحی استفاده کنیم. در واقع تمامی نواقص و کاستی‌های موجود در مدیریت گردشگری به نبود نگاه تخصصی از سوی مسئولان ذی ربط باز می گردد، شاهد این مدعا برخورد سنتی با این پدیده است. مدیریت صحیح گردشگری با همکاری دستگاه‌های مربوطه همچون سازمان گردشگری، متولیان حوزه نظارت در کشور و یا مسئولان اماکن مذهبی و... قابل تحقق است.
در ذیل عنوان گردشگری مذهبی تنها بازائری که به نیت کسب نوعی معنویت به مقصدی سفر می کند، مواجه نیستیم. بسیاری از گردشگران دنیا مشتاق دیدن اماکن مذهبی به دلیل معماری خاص و جاذبه‌های معنوی آن هستند.
بنابراین نباید به مقوله گردشگری همچون چند دهه گذشته نگاه کرد و باید در مسیر توسعه آن با جریان جهانی همسو شد.
هم اکنون بسیاری از کشورها، برای پرهیز از اتکا به درآمدهای وابسته به منابع طبیعی‌شان، بر حوزه گردشگری سرمایه گذاری کرده اند و سعی در ورود سرمایه به خاک خود دارند. بنابراین باید از تجارب دیگر کشورها در حوزه مدیریت این صنعت استفاده کنیم.
نبود نگاه تخصصی به این حوزه و منصوب کردن مدیران غیرمتخصص یک آفت جدی در نهادهایی است که متولی بخش گردشگری در کشور هستند.
کشور ایران به دلیل بهره‌مندی از تاریخی کهن، تمدنی چندین هزار ساله و نیز حضور پیروان ادیان مختلف، میزبان اماکن مذهبی بسیاری است که در جای جای خاک آن قرار گرفته و به نقل از سازمان یونسکو، در بین ۱۰ کشور اول جهان، از نظر حضور آثار تاریخی و فرهنگی قرار دارد. همچنین این سازمان جهانی، ایران را یکی از ۵ کشور برتر دنیا به دلیل تنوع اقلیمی و آب‌وهوایی و اکوتوریسم یا همان طبیعت‌گردی معرفی کرده است.
طبق گزارش‌ها و آمارهای موجود، حدود ۱۰ هزار مکان مذهبی در کشور وجود دارد که می‌تواند نقش بسزایی در جذب گردشگر، ایفا کند.
به همه این‌ها جامعه بزرگ شیعیان جهان اسلام را نیز بیفزایید که یک ظرفیت ارزشمند و غنی است.
اما گام مهم در عرصه توسعه این صنعت، با ورود حرفه‌ای بخش خصوصی به این حوزه میسر خواهد شد. حال اگر زمینه‌های لازم برای ورود این بخش به صنعت گردشگری فراهم شود، یقینا این صنعت درآمدزا خواهد بود. به عبارت دیگر بخش خصوصی باید از حمایت‌های لازم از سوی دولت برخوردار باشد و احساس امنیت اقتصادی کند. با این که دولتمردان در تمامی دوره‌ها درباره این صنعت مواضع خوبی نشان می‌دادند اما متاسفانه در عرصه عمل شاهد اتفاقات دیگری بودیم.
گردشگری می‌تواند محور توسعه باشد اگر تمامی ملزومات و بستر برای صنعت گردشگری فراهم باشد. دور از دسترس نیست که این صنعت بتواند جایگزین مناسبی برای نفت باشد. علاوه بر این، صنعت گردشگری می‌تواند کارآترین نقش را در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا کند، چرا که این صنعت برخلاف دیگر صنایع به منابع خارجی نیاز ندارد. لذا پیشنهاد می‌شود مسئولان مربوطه از الگوهای موفق گردشگری دیگر کشورها استفاده کنند. در پایان باید اذعان کرد که متاسفانه عزم ملی در حوزه صنعت گردشگری اندک است، این عزم تنها در شعار مشهود است نه عمل. بنابراین باید تمامی دستگاه‌ها خود را در مدیریت گردشگری مسئول بدانند. امید می‌رود دولت دوازدهم به این مهم اهتمام ویژه داشته باشد تا شاهد اتفاقات ویژه‌ای در این حوزه باشیم.

خبر روز

عبدالهی

تئاتر شهر، میزبان سیزدهمین جشنواره نمایش نامه خوانی

تب و تاب نمایشنامه خوانی در مشهد

سیزدهمین جشنواره نمایشنامه خوانی مشهد روز گذشته آغاز به کار کرد و امروز در دومین روز خود، با هشت اجرا میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. بر اساس جدول، اجراهای امروز نیز از ساعت ۱۰ صبح در تئاتر شهر مشهد واقع در بوستان ملت آغاز می‌شود. امروز در دومین روز این جشنواره نمایشنامه‌های «هذیان دو نفره»، «دو هزار و هفتصد و چهل و دو روز»، «لباس پاریسی آیینه قدیمی»، «قدم زد بر روی نوار زرد»، «سرو»، «پوچی پوچ خانم میرمازاد»، «آن سوی رنگی ذهن» و «باغبان مرگ» خوانش خواهد شد.
همچنین تئاتر شهر مشهد فردا میزبان خوانش نمایشنامه‌های «بخشی از خاطرات یک کارمند دون پایه»، «پابرهنه در پارک»، «خانه عروسک ایبسن»، «ماجرای قتل سرایدار»، «لازانیا با سس پستو»، «چمدان»، «آرزوی زبان بسته» و «لباسی برای مهمانی» خواهد بود. دوشنبه و در آخرین روز این جشنواره نیز نمایش نامه‌های «آقای شادی»، «یرما»، «دو مرغابی در مه»، «دکلره»، «حساب پرداخت نمیشه»، «قانون گریز»، «شب بخیر آقای سرباز» و «دردسرهای مرد مرده» خوانش خواهد شد.

مکان	سالن بهار	سالن عروسکی	سالن بهار	سالن عروسکی	سالن بهار	سالن عروسکی	سالن بهار	سالن عروسکی
زمان	۱۰-۱۱ ۱۱-۱۲	۱۰-۱۱ ۱۱-۱۲	۱۳-۱۴ ۱۴-۱۵	۱۳-۱۴ ۱۴-۱۵	۱۵-۱۶ ۱۶-۱۷	۱۵-۱۶ ۱۶-۱۷	۱۷-۱۸ ۱۸-۱۹	۱۷-۱۸ ۱۸-۱۹
شنبه	هذیان دو نفره کارگردان: سارا کشمیری	دو هزار و هفتصد و چهل و دو روز کارگردان: محمدفواد زیدانلویی	لباس پاریسی آیینه قدیمی کارگردان: منیره توزنده جانی	قدم زد بر روی نوار زرد کارگردان: زهره خیابانی	سرو کارگردان: مصطفی جلالی	پوچی پوچ خانم میرمازاد کارگردان: پویا غازی	آنسوی رنگی ذهن کارگردان: سارا رستمی	باغبان مرگ کارگردان: رضا تقی زاده
یکشنبه	بخشی از خاطرات یک کارمند دون پایه کارگردان: فرشته ثابت	پابرهنه در پارک کارگردان: نازنین صدقی	خانه عروسک ایبسن کارگردان: نوید اسدیان	ماجرای قتل سرایدار کارگردان: رضا اسلامی	لازانیا با سس پستو کارگردان: فائزه چشمه سنگی	چمدان کارگردان: محمد فلاحی	آرزوی زبان بسته کارگردان: امیرحسین رحیمی	لباسی برای مهمانی کارگردان: ملیکا فقاهتی
دوشنبه	آقای شادی کارگردان: محمود عباسپور	یرما کارگردان: امیر جوادزاده	دو مرغابی در مه کارگردان: علی ساقی	دکلره کارگردان: پردیس یحیی زاده	حساب پرداخت نمیشه کارگردان: مبین عطاری	قانون گریز کارگردان: الهه نوبخت	شب بخیر آقای سرباز کارگردان: یوسف سلطانی	دردسرهای مرد مرده کارگردان: مصطفی داورطلب